

شما و ما الجملة



شرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سر دبیر



شناخت نامه الحیاة

لقد من الله على المؤمنين إذ بعث فيهم رسولا من أنفسهم، يتلوا عليهم آياته و يزكيهم و يعلمهم الكتاب و الحكمة، و إن كانوا من قبل لفى ضلال مبين (آل عمران، ۱۶۴/۳) علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بحتم خداوند بر مؤمنان منت نهاد (و نعمت بزرگی بخشید)، هنگامی که از میان خود ایشان پیامبری برانگیخت، تا آیات قرآن را بر آنان بخواند، و سرشت آنان را بپسراید، و کتاب ریتانی و حکم آسمانی به ایشان یاد دهد، این چنین کرد، در حالی که همه ی مردمان از آن پیش در گمراهی روشن و آشکار غرق بودند.

اهتمام و توجه به «قرآن کریم» در حوزه ها و دیگر مجامع علمی، چنان که در خور است وجود ندارد، تا جایی که می نگریم تا ۱۰ سال پیش، مجله ای ویژه ی قرآن کریم و علوم و مباحث آن، در حوزه ی علمیه و مراکز علمی دیگر نشر نمی شود. این دوری از



قرآن کریم: یا رب ان قومی اتخذوا هذا القرآن مهجورا، (فرقان، ۲۵/۳۰)، در طول تاریخ اسلام، برای اسلام و مسلمانان و فرهنگ اسلامی و پیشرفت های علمی مسلمانان و سرزمین های اسلامی، زیان های بسیار مهم و بسیار شکننده همراه داشته است. تا مرزی که معارف قرآنی و ارزش های فرد ساختی و جامعه پرداختی قرآن نیز ناشناخته مانده است، و عدالت و قسط قرآنی به کلی فراموش گشته است.

از این رو می نگریم که در فقه ما و در استنباطات احکام، از سوی مجتهدان معظم، اغلب - یا شاید بتوان گفت به طور کلی - عدالت منظور نشده است. و فقه ما چنین نیست که مبتنی باشد برشالوده ی حیاتی و قرآنی ليقوم الناس بالقسط، (حدید، ۲۵/۵۷) یعنی برشالوده ی «احکام دین برای اهداف دین». اینست که در رساله های عملیه، سخنی از قسط و عدالت نیست، با این همه مسائلی که درباره ی طهارت و نجاست هست.

منشأ اصلی این امر، این است که پس از درگذشت پیامبر اکرم ﷺ، برای فهم قرآن و عمل به قرآن، به دستور پیامبر عمل نکردند، و نزد اهل قرآن، و دانایان قرآنی، و کارشناسان قرآن - به اصطلاح روز - نرفتند، و به آیه ی فاستلوا اهل الذکر (انبیاء، ۷/۲۱)، گوش ندادند، و حدیث فوق متواتر «ثقلین» - و دهها حدیث نبوی دیگر - را پشت سرافکندند... در نتیجه، قرآن کریم به دست اهل قرآن، تبیین و تفسیر و تفهیم نشد، و رکن دوم هدایت الهیه و مبانی و حیانیته، یعنی احادیث (چه احادیث نبوی و چه احادیث معصومان)، مختل ماند، و عاقبت چنین کاری روشن است: حاکم نگشتن فرهنگ قرآنی در میان مسلمانان، و تشکیل نیافتن «امت واحده»، که قرآن کریم بدان فراخوانده بود (انبیاء، ۹۲/۲۱) و مؤمنون، (۵۲/۲۳)، و سوق دادن مسلمین به انس یافتن با فرهنگ های بیگانه و التقاطی و حذف مرجعیت علمی اهل بیت، پس از حذف مرجعیت سیاسی ایشان، و بسته شدن در خانه ی اهل بیت به روی جامعه ی عام اسلامی؛ چنان که علامه ی طباطبائی می فرماید:

حکومت های معاصر با ائمه ی هدی، نظر به این که از آن حضرات دور بودند، از هر جریان و از هر راه ممکن، برای کوبیدن آن حضرات و باز داشتن مردم از مراجعه به ایشان و بهره مندی از علومشان استفاده می کردند.^۱

در هر حال، پس از احساس تکلیف که باید در قم نشریات مختلف ویژه ی قرآنی

وجود داشته باشد، و به سراسر کشور برسد، و برای سایر کشورهای اسلامی و غیر اسلامی به چند زبان ترجمه شود. مجله‌ی بینات راه‌اندازی شد و در سال ۱۳۷۳ نخستین شماره‌ی آن انتشار یافت.

این فصلنامه یکی از وظایف خود را در این می‌دید که به آثار و تألیفات قرآنی، به خصوص آن دسته از این آثار که فرهنگ خالص قرآنی و تعالیم اوصیایی را عرضه کرده‌اند، توجهی ویژه داشته باشد، و ندای این گونه آثار و تألیفات را به دیگر گوشها برساند. از آنجا که در میان تألیفات سترگ قرآنی معاصر، کتاب «الحیة» از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و در عین این که یک مجموعه‌ی مستند و مدون قرآنی و حدیثی است، و کاری تصنیفی و فراتر از حد تألیف، و در عرضه‌ی راستین دین، بر این سیاق، اقدامی بی‌سابقه است، و می‌تواند تدوینی الگو باشد، یک کتاب قرآنی خالص و به دور از هرگونه امتزاج و التقاط و تأویل است، و به روشنی تمام، نشان دهنده‌ی بی‌نیازی اسلام و فرهنگ قرآنی و تعالیم محمدی و اوصیایی از هر فکر و مکتب و فرهنگ بشری - در ساختن فرد و جامعه - است.

«الحیة» برخواسته از یک اندیشه‌ی ژرف و عمیق است که معارف اسلامی و تعالیم قرآنی و اوصیایی را غنی از هر فرهنگ و نحله می‌داند، و آن را فرهنگ‌ساز می‌شمارد.

استاد علامه محمد رضا حکیمی و دو برادر بزرگوار و اندیشمند ایشان حجج اسلام علی و محمد حکیمی، پس از سالها تلاش و کوشش و بررسی تمامی آیات و روایات، با اندیشه و نگاهی خاص و برگرفته از معارف ناب اسلام، این مجموعه‌ی گرانسنگ ارزشمند را خلق کردند.

استاد حکیمی خود در خاطراتی می‌فرمایند: بعد از اوضاع نابسامان سال‌های بعد از ۱۳۴۲ و آزاد شدن اخوی از زندان، به سراغ من آمد که در این حال و هوا چه کار بسامانی می‌توان انجام داد و من (استاد) به ایشان گفتم بروید و با گشتی در روایات اوصیاء الهی، روایات «خاکی و خونی» را جمع‌آوری کنید.

آنچه اکنون به نام «الحیة» جمع‌آوری و تدوین یافته است حاصل سال‌ها تلاش و ژرف‌اندیشی در آیات و روایات است. و از این رو که «الحیة» نگاهی خاص به آیات قرآنی دارد و تفسیری خاص از کلام اوصیای الهی از آیات قرآن عرضه نموده است، مجله‌ی

بیّنات نمی توانست نسبت به این کتاب بی تفاوت یا ساکت باشد. از اینرو در صدد برآمد تا شناخت نامه‌ای درباره‌ی این کتاب سره‌گرای قرآنی و تصنیف نمونه در معارف اوصیایی منتشر کند.

فاضلانی، دانشورانی و نویسندگانی چند، پس از آگاهی از این نیت، با ما همگام و هم‌نوا گشتند، و با نوشتن مقالاتی ارزنده، این کار را سامان دادند.

اکنون شماره‌های ۳۷ تا ۴۰ (دوره‌ی سال دهم)، پس از مدتها تلاش و پی‌گیری و به انتظار نهادن دوستانی چند، به عنوان «شناخت‌نامه»ی کتاب قرآنی و اوصیایی «الحیة» تقدیم خوانندگان محترم و جویندگان حقایق ناب و تعالیم والای وحیانی می‌گردد.

«الحیة»، گرچه با نگاه اولیه و سطحی یک کتاب حدیثی می‌نماید و لکن با نگاهی دقیق و ژرف، نه تنها یک کتاب قرآنی خالص و ناب است، که یک تفسیر موضوعی با نگاهی جدید است، و یک تفسیر عصری از قرآن با توجه به حوادث و مسائل زمان و یک تفسیر ناب ماثور است. و نیز تفسیری است که با توجه به مقاصد و اهداف قرآن تدوین و تقدیم قرآنیان شده است. از این رو است که بیّنات به تدوین و نشر شناخت‌نامه‌ی این کتاب عظیم و ماندگار و جاوید پرداخته است.

این چهار شماره در دو مجلد و با سرفصل‌های ذیل به علاقه‌مندان عرضه می‌گردد:
معرفی الحیة، زیست‌نامه‌ی مؤلفان، درون‌مایه‌ی الحیة، مبانی الحیة، الحیة از نگاه دانشوران و گفت و گو درباره‌ی الحیة و مؤلفان آن.

در «معرفی الحیة»، از سیر تدوین الحیة، ساختار ظاهری و محتوایی الحیة، ترجمه آیات قرآن در الحیة سخن رفته است و به جهت نشان دادن عظمت این کار قرآنی معجمی از آیات به کار رفته در الحیة (قریب ۲۷۰۰ آیه) ارائه شده است.

در «زیست‌نامه‌ی مؤلفان»، نگاهی به زندگی علمی و پژوهشی مؤلفان گران قدر الحیة خواهیم داشت، درباره‌ی زندگی استاد به تفصیل سخن رفته است و گذری به گذشته و اساتید و نگاشته‌های استاد داشته‌ایم، و شاخصه‌های اصلی و درونی استاد را به اشارت بازگو کرده‌ایم. اعتقاد ژرف و عمیق و تکیه بر آیات و روایات، تأملی در حد اعجاز در سخنان معصومان، بازبینی‌های نو و بدیع در آیات و روایات، و... همه همه نشانگر روح حاکم بر استاد و کتاب ارزشمند الحیة است.



درباره‌ی زندگی دو برادر عزیز استاد، از آنجا که هیچ منبعی در دسترس نبود، به خواهش بیّنات، آقایان محمد حکیمی و علی حکیمی، با اکراه از این که زندگی نامه‌ای از آنان منتشر شود و نیز با تأکید خود استاد، سطوری را مرقوم داشته و ارسال نمودند.

در فصل سوم با عنوان، «درون مایه‌ی الحیاة» به نکات محتوایی و برخی ایده‌های بلند استاد اشاره کرده‌ایم و با این مقالات: جامعه‌ی قرآنی، انسان‌مداری و حضور آگاهی و ایمان، در این شناخت نامه به استقبال الحیاة رفته‌ایم.

در فصل بعدی با عنوان «مبانی الحیاة»، به برخی نکات زیر بنایی الحیاة اشاره شده و پایه‌های الحیاة و برداشت‌های استاد از آیات و روایات در مقالات این فصل بررسی شده است. در مقاله‌ی «جایگاه و تفسیر حدیث ثقلین» و «اصالت وحی یا اصالت عقل» به مطالب مبنایی استاد اشاره شده است.

در فصل «گفت و گو»، حقایقی چند از زبان مدیر مسئول بیّنات، درباره‌ی وجهه‌ی تفسیری الحیاة بیان شده که در جای خود خواندنی و درخور توجه است.

این دو شماره را با عناوین یاد شده به پایان برده‌ایم، تا بخش دوم شناخت نامه که برخی از این فصول با عناوین جدید دیگر و نیز فصول جدیدی تقدیم خوانندگان خواهد شد. إن شاء الله.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی